هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



شما علمای محترم، به عنوان یک ضرورت اساسی در حفظ ارزش های اسلامی و در حفظ امنیت و ثبات سیاسی کشور و در حفظ تاریخ و فرهنگ و وحدت ملت مسلمان افغانستان بکوشید.

از فرموده های شهید صلح استاد ربانی، در جمعی علماء

دفتر مرکزی جمعیت – ۱۵ اسد ۱۳۸۲ کابل

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و هفتم ۱۳حوت ۱۳۹۰ ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۳۳ - 3 March 2012

پیامد های اهانت به قرآن کریم

◇**ابوبکر سبزوار**

به دنبال اهانت امریکایی ها به قرآن مجید در پایگاه نظامی بگرام، سراسر کشور شاهد تظاهرات خود جوش مردمی علیه این اقدام شنیع بود. مردم مسلمان ما از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب دست به تظاهرات زدند که در بعضی از موارد متاسفانه این تظاهرات به خشونت کشیده شد و موجب شهادت و زخمی شدن جمعی از هموطنان مسلمان گردید.

وزارت امور داخله از نیروهای انتظامی کشور خواست تا در برابر تظاهر کنندگان دست به خشونت نبرند و این کار در کاهش میزان خشونت ها موثر بود. هرچند شخص اوباما از این جریان از مردم افغانستان معذرت خواست اما در این کشور خطوط قرمزی وجود دارد که عبور از آن با معذرت خواهی جبران نمی شود.

بعد از این معذرت خواهی، بعضی از اعضای حزب جمهوریخواه امریکا از این اقدام اوباما انتقاد کردند و معذرت خواهی امریکا را بخاطر واقعهٔ سوزانیدن قرآن مورد انتقاد قرار دادند. از نظر جمهوری خواهان، اهانت به قرآن کاری نبود که به خاطرش ابرقدرتی چون امریکا از مردم کشوری چون افغانستان معذرت بخواهد!

فرماندهی نیروهای امریکایی در بگرام، مسوولیت این جریان را به دوش ترجمانان انداخت که قرآن را با دیگر کتاب ها فرق نکردند زیرا به زبان عربی آشنایی نداشتند! آیا می توان بهانه ای بی معنی تر از این ارائه کرد؟!

پارلمان کشور این ماجرا را به شدت محکوم کرد و حتی بعضی از نمایندگان مردم خواهان اعلام جهاد علیه امریکا و متحدین این کشور در افغانستان شدند و امامان مساجد در سراسر کشور از جمله در کابل، این اقدام امریکایی ها را به شدت نکوهش نموده و خواهان به دادگاه کشیدن مسوولین این واقعه گردیدند.

یکی از وقایع مهم در این جریان، کشته شدن مرموز دو مشاور امریکایی در داخل وزارت امور داخله بود که طالبان مسوولیت این کار را به عهده گرفتند و از شخصی به نام عبدالرحمن که به کمک دوستش دست ص۲

در دو هفتهٔ گذشته
حملات انتحاری و انفجاری، جان ده ها تن را گرفت

حملات انتحاری و انفجار، دشمن نامرئی است که سالهاست جان تعدادی از هموطنان ما را می گیرد و به سوگ می نشاند. طبق گزارش رسانه ها، در دو هفتهٔ اخیر حملات انتحاری و انفجار در ولایات ننگرهار، قندهار، لغمان، لشکرگاه و تخار به وقوع پیوسته است که ده ها تن در حوادث کشته و مجروح گردیده اند.

ریاست امنیت ملی می گوید که تا هنوز از چندین رخداد دلخراش که در صورت وقوع تعدادی مردم ما را به خاک و خون می کشاند، جلوگیری کرده، آنها را دستگیر نموده اند. چندی پیش کودکی که یکبار به جرم حملهٔ انتحاری دستگیر شد، رها گردیده بود دوباره از سوی نیروهای امنیتی کشور دستگیر گردید.

آنچه مایهٔ نگرانی مردم رنجدیدهٔ ماست و از دولت شکوه دارند اینست که، چرا دولت دستگیر شده گانی را که به چنین جنایات نابخشودنی دست می یازند، در محضر عام محاکمه نمی نماید.

در حالی که اعمال خائنانهٔ دشمنان مردم افغانستان را تقبیح می نماییم، روح شهدای این رخدادها را شاد، به زخمی ها شفای عاجل می طلبیم، از دولت افغانستان می خواهیم، از آنجایی که تامین امنیت شهروندان کشور مطابق قانون، وظیفهٔ دولت است، در تأمین امنیت توجهٔ خاص داشته باشد تا دیگر شاهد صدمه دیدن هموطنان مان نباشیم.

جاسوسان محاکمه شوند

هفتهٔ گذشته (۸ حوت)، ریاست امنیت ملی کشور از بازداشت چهار کارمند ادارات دولتی به ظن جاسوسی خبر داد. اما از افشای نام و محل کار ایشان ابا ورزیده است. فقط گفته شده که یکی از این جاسوسان متهم، کارمند وزارت خارجه بوده است. پیش از این که شخص دستگیر شده از جانب امنیت ملی برائت حاصل نماید و رها گردد، وزارت امور خارجه، این دستگیری را سطحی نگریسته، به یکی از رسانه ها گفته است: این قضیه جدی نبوده و کارمند یادشده؛ جهت رفع اتهامات علیه وی، از سوی ریاست امنیت ملی بازداشت گردیده است.

به گفتهٔ ریاست امنیت ملی، این افراد به ظن اینکه اسناد محرم را در اختیار استخبارات کشورهای منطقه قرار داده، بازداشت شده اند که افشای هویت شان را قبل از وقت خوانده اند.

پیش از این نیز از طریق ریاست امنیت ملی، افرادی به ظن جاسوسی با کشورهای همسایه گرفتار و بعداً آزاد گردیده اند.

در کشورما بعید نیست که برخی افراد در سطوح بالا و پائین نظام، به نحوی دست شان زیر سنگ استخبارات منطقه و کشورهای دور و نزدیک قرار داشته باشد. آگاهان امور نیز بدین باور اند، این همه مشکلات و ناامنی که در کشور اوج گرفته، ناشی از اجیرانی است که نمی خواهند در کشور آرامی حکمفرما شود و از این آب گِل آلود ماهی مراد شان را به دست می آرند.

مسوولیت نیروهای امنیتی کشور است تا هوشیارانه گام برداشته، افراد نفوذی دشمن و کشورهای خارجی را که منافع ملی کشور را زیر پا نموده و به دشمنان خدمت روا می دارند، شناسایی و به محاکمه بکشاند و مردم افغانستان را در جریان قرار دهد.

همه نگاه ها به سوی خانهٔ ملت

◇**نذرالله عنایت**

روزی نیست که خبری از مجلس دوم یا به تعبیر دیگر، مجلس شانزدهم شنیده نشود. نگاه من و صدها هموطن دیگر به خانهٔ ملت از آن جا معطوف می گردد که خیلی از مسایل ملی در سطوح مختلف به تصمیم گیری های این نهاد مردمی بستگی دارد. اما متأسفانه از یک سال و اندی بدینسو که این خانه کارش را آغاز نموده است، تصمیم گیری ها در موارد اندکی حالت نورماتیف و بهینه را با خود داشته است و بیشترین اوقات شان را نمایندگان محترم مردم، در زد و بندهای داخلی، سپری نموده اند. در تازه ترین موارد برخی از نمایندگان گفته اند، به دلیل این که خیلی از معیارها و اصول وظایف داخلی شان در تنگناها قرار گرفته است، آماده اند تا استعفاء جمعی بدهند. اما درشرایط فعلی آیا استعفا دادن یک راه حل است؟ در کوتاه ترین جواب در کشوری مانند افغانستان، ص۲



استعفاء دادن مرهمی به دردهایی این ملت شده نمی تواند، بلکه باید ایستاد، مقاومت کرد و راه برون رفت را در میان انبوهی از چالش ها جستجو نمود.

خانهٔ اسامه در ایبت آباد پاکستان تخریب شد



آگاهان امور بدین باور اند، همانطوری که امریکا جسد اسامه را به عمق بحر فگند تا زیارتگاهی برای هواخواهانش نگردد، به پاکستان نیز دستور داده است تا این خانه را تخریب نماید، نشود در آینده، و یا در تحولاتی که در پاکستان پیش آید، این خانه به حیث یادگاری از اسامه و مرکز فرماندهی او بر علیه امریکا و متحدینش باقی بماند. ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

حذف حوادث چند دههٔ اخیر از مفردات درسی

حذف افتخارات و حماسه آفرینی های مردم مسلمان افغانستان است

وزارت معارف رویدادهای مهم و تاریخی چهل سال اخیر در کشور را شامل نصاب تعلیمی کتاب درسی مکاتب نگردانیده و عمده ترین علت را «تأمین وحدت ملی» عنوان کرده است. بنا به گفتهٔ این وزارت، به خاطر جلوگیری از اثرات منفی که روی ذهنیت نسل جدید می گذارد، اقدام به درج این رویدادها در نصاب تعلیمی نکرده و بحث روی شخصیت های اثرگذار این دوره ها را به نسل های بعدی واگذار کرده اند.

در این چهل سال، حکومت های خلق و پرچم تحت حمایت اتحاد شوروی سابق قدرت را به دست گرفتند، کُشتند، بستند، دارایی برخی مردم را تصاحب کردند، بیش از پنج میلیون باشندگان این کشور در داخل و خارج کشور با ترک خانه و کاشانهٔ شان راهی دیار هجرت شدند، اتحاد شوروی سابق در کشور ما تجاوز کرد و با ساز و برگ پیشرفتهٔ نظامی وارد کشور گردید. مردم مسلمان کشور در برابر نابرابری ها و تجاوز قیام کردند، علمای جید کشور فتوای جهاد صادر کردند، چهارده سال تمام این ملت به منظور حفظ تمامیت ارضی، استقلال، آزادی، ارزش ها، افتخارات و نوامیس ملی، به فرمان الهی که جهاد است، ایستادگی کردند، شهید شدند، معلول و بی خانمان گشتند، اما با ایثارگری و فداکاری بزرگترین قدرت زمان (اتحاد شوروی سابق) را شکست دادند که جهانیان انگشت حیرت به دهان کردند. حکومت اسلامی تشکیل شد. این ملت در برابر تروریسم، القاعده و طالبان از خود مقاومت نشان دادند که منجر به شکست آنها شد. بعد از پیروزی، در مقدمهٔ قانون اساسی جدید کشور نیز از این همه مبارزات و افتخارات با قدردانی یاد شد. که در بخشی از مقدمه آمده است: (... با تقدیر از فداکاری ها، مبارزات تاریخی، جهاد و مقاومت بر حق تمام مردم افغانستان و ارجگذاری به مقام والای شهدای راه آزادی کشور،...)

چطور می شود این همه رویدادها و فداکاری و افتخار ملتی نادیده گرفته شود، در حالی که هنوز هم تاریخ های زنده و حکایتگر واقعیت های عینی در اکثریت فامیل های این نسل وجود دارد.

ازین حقیقت هم نباید چشم پوشید که، در طول حدود چهار دهه، نارسایی هایی وجود داشته، تخطی هایی از سوی افراد و گروه هایی صورت گرفته است که زاده ای هر خیزش و تحول است. اما واقعبینانه نیست که به خاطر مصلحت ها، و اینکه کدام اشخاص و گروه ها و کشورها، با ابراز واقعیت ها، خم به ابرو می آورند، جهاد و مقاومت ملتی را نادیده انگاشت. این مسوولیت دولت افغانستان، رهبران و فرماندهان مطرح جهاد و مقاومت است، روی این عملکرد وزارت معارف دقت نمایند تا دو دورهٔ پرافتخار (جهاد و مقاومت) درج نصاب تعلیمی کشور گردد.

وزارت معارف، مسوولیت تاریخ نویسی چهار دههٔ اخیر را به نسل های بعدی واگذار کرده است. و آن زمانیست که در نبود شاهدان عینی، و با گذشت زمان، مغرضین و دشمنان مردم مسلمان افغانستان، به جهاد و مقاومت مردم مسلمان ما رنگ و بوی دیگری خواهند بخشید و تحریف خواهند کرد. زیرا تاریخ، معرف زندگینامهٔ ملت ها و جوامع است. که نسل های بعدی را از رویدادهای گذشته مطلع می سازد. به یقین، حذف حوادث چند دههٔ اخیر از مفردات درسی توسط وزارت معارف، حذف افتخارات و حماسه آفرینی های ملتی است که جهاد کردند، مقاومت نمودند، تا افتخار بزرگ و فراموش ناشدنی را به کشوری به نام افغانستان و مردم مسلمان کشور کمایی نمایند.

همه نگاه ها به سوی خانهٔ ملت

ادامه از صفحهٔ اول

استعفاءدادن مرهمی به درد هایی این ملت شده نمی تواند بلکه، باید ایستاد، مقاومت کرد و راه برون رفت را در میان انبوهی از چالش ها جستجو نمود. همانگونه که مردم می دانند، از دو سال بدینسو برخی از وزارتخانه ها توسط سرپرست ها اداره می شود. سرپرست وزیران، پس از آن که در دور اول ولسی جرگه ۱۷ وزیر پیشنهادی آقای کرزی رأی اعتماد نیاوردند، از آن تاریخ تا کنون تعداد زیادی از وزارتخانه ها توسط سرپرست ها اداره می گردد. چندی پیش رئیس جمهوری تعداد از چهره های را که در گذشته ها نیز رأی نیاورده بودند، بار دیگر به منظور گرفتن رأی اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی نمود.

این در حالیست که، اصول وظایف داخلی ولسی جرگه می گوید:" **در صورتی که یک نامزد وزیر در یک پست رأی اعتماد نگیرد، نمی تواند در عین پست بار دیگر معرفی شود.** دادن رأی اعتماد به وزاء ایجاب تعدیل را در اصول وظایف داخلی می نماید. اکنون ولسی جرگهٔ کشور طی هفتهٔ جاری یک بار دیگر در آزمون سخت تاریخی خود قرار دارد. زیرا موضوع دادن رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی آقای کرزی در این هفته مطرح است. **مردم افغانستان انتظار دارند، هنگام دادن رأی معیارهای اساسی را که در آن مفاد و خیر مردم نهفته باشد، در نظر بگیرند.**

معیارهای چون تعهد، تخصص، پاک بودن، ارائهٔ خدمات طی سال های گذشته، اولویت های اند که مجلس نمایندگان هنگام دادن رأی در نظرداشته باشند. در همین حال گفته می شود که، طی روزهایی اخیر نامزد وزیران سخت مصروف کمپاین می باشند. البته کمپاین وزرا فرق دارد با سایرین و دیگر فرصت های انتخاباتی. **این کمپاین ها مدرنتر اند و در پشت در وازه های بسته و هتل های مجلل با شرایط ویژه صورت می گیرد.** برخی از آگاهان می گویند تعدادی از اعضای مجلس در بدل پول و وعد و وعیدها به برخی نامزد وزیران حکومت رأی اعتماد می‌دهند. **در صورتی که این گونه شایعات درست باشد هرگونه عزت و عظمت در درون خانهٔ ملت به دار بسته شده است.**

بدون شک وکیلی که بر اساس پول به نامزد وزیران رأی بدهد، خیانت به مردمی نموده است که به او رأی داده اند.

بگذریم از این که این گونه گمانه زنی ها تا چه حد درست می باشد، اما واقعاً دیده شده است که برخی از وکلای مردم زود تطمیع شده، ناکارایی شان را در گذشته ها به نمایش گذاشته اند.

در شرایطی که فساد اداری سراسر نظام را فراگرفته است، تنها چشم امید مردم به سوی نمایندگان شان دوخته شده است، تا از این مهلکه مردم را با دادن رای شان نجات بدهند.

از سوی دیگر، قومگرایی از دیگر آفت هایی است که سراسر نظام، به ویژه دامنگیر قوهٔ مقننهٔ کشور شده است. رویکرد قومگرایی باعث شده است تا برخی از وزرای کابینه ناکارآ بر اساس سهم قومیت انتخاب شوند. اکنون درلست نامزد وزیران معرفی شده، ترکیب قومی نیز مشاهده می شود، اما این ترکیب چگونه تکمیل می شود؟ **آیا این گونه ترکیب ها واقعاً چیزیست که نمایندگی از یک قوم بزرگ این سرزمین می نماید؟ نخیر! در این گونه ترکیب ها تنها کسانی راه می یابند که به حلقات نزدیک به قدرت و گروه خاصی وابسته باشند.**

قوم محوری در درون مجلس از روزی آغاز گردید که نمایندگان به منظور انتخاب رئیس و اعضای هیأت اداری به پای صندوق های رأی رفتند. اما نمایندگان مردم به جای این که اهلیت و شایستگی را در نظر بگیرند، به سمت های قومی تکیه نموده رویکرد شایسته سالاری را در نظام اداری کشور زیر سوال بردند. **رسوبات کنج اندیشانهٔ نمایندگان در گزینش وزراء هنگام دادن رأی اعتماد در روز های آینده نیز قابل مکث و پرسش بوده می تواند.**

در حالی‌که دوسال و اندی برای ادامهٔ کار حکومت فعلی باقی نمانده است، باید مجلس نمایندگان به ادامهٔ کار نمایندگان نقطهٔ پایان بخشند. اما این بدان معنا نیست که حتماً به تمام نامزد وزیران معرفی شده بدون در نظر داشت برخی از شرایط و شاخص هایی که معیار برای دادن رأی اعتماد باشد، در نظر گرفته نشود.

اما در عین حال برخی ها بدین باور هستند که، مجلس کنونی بر خلاف مجلس گذشته، تمایل چندانی برای رد و طرد نامزد وزیران را ندارد. زیرا این **مجلس به دلیل چالش های داخلی که دامنگیر شان می باشد، نمی تواند در چانه زنی های سیاسی و تشخیص کادرهای کار آزموده پرقدرت عمل نماید.**

در صورتی که این نامزد وزیران رأی اعتماد نگیرند، بیم آن می رود که آقای کرزی نتواند تا آخرین فرصت های زمانی، کابینهٔ خود را تکمیل نماید و درآن صورت ترجیح دهد حکومتش را توسط سرپرست وزیران برای مدت باقی مانده اداره نماید.

آنچه که برای مردم افغانستان مهم است رأی آوردن و نیاوردن، عزل و نصب افراد نیست، بلکه مهم این است که چگونه تغییرات کیفی را در زندگی شان لمس نمایند. در این لحظات تاریخی چشم امید و توقع مردم از نمایندگان شان این است که در روند رأی دهی، مصالح ملی و عمومی را در نظر گرفته در فکر انتخاب چهره هایی باشند که اهلیت، شایستگی و توانایی کار را دارا باشند.

پیامدهای اهانت...

به این اقدام زده اند نام برده اند. طالبان در اکثر موارد چنین مسوولیت هایی را به عهده می گیرند تا خود را قدرتمند جلوه دهند بنابراین قبول هر مسوولیتی را از جانب آنان را نباید جدی گرفت. وزارت داخله از شخصی به نام عبدالصبور سالنگی به نام متهم این قتل ها نام برده است که کارمند وزارت داخله بوده و اکنون فراری است. فرقی نمی کند که این کار را چه کسانی انجام داده اند اما انگیزهٔ قتل این دوتن بدون تردید به مسئلهٔ اهانت به قرآن مجید در پایگاه بگرام رابطه داشته است.

اما تبعات قتل این دو تن موجب پیامد های گسترده در کشور شد. خارجی ها همه مشاورین خود را از رفتن به ادارات دولتی افغانستان بازداشتند و تعداد زیادی از آنان را از افغانستان خارج کردند.

رایان کراکر سفیر امریکا در کابل این اقدام را موقتی خواند اما حتی خروج موقتی این مشاورین نیز می تواند چالش برانگیز باشد. یکی از این مشکلات می تواند ناشی از نقش تصمیم گیرندهٔ مشاورین خارجی در ادارات دولتی افغانستان باشد. در بسیاری از موارد، تصمیم گیری های مهم به تائید مشاورین خارجی رابطه دارد و همچنان مصارف وجوهی که توسط دونر های خارجی داده می شود، به تائید خارجی ها مربوط است. بنابراین خارج شدن مشاورین می تواند روی بعضی پروژه ها در کشور تاثیر منفی داشته باشد.

در بخش های نظامی هم خروج مشاورین می تواند روی سپردن مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغان تاثیر منفی بگذارد زیرا برنامه ریزی برای این کار نیاز به مشورت میان خارجی ها و افغان ها دارد.

در شرایطی که زمان به سرعت می گذرد و هر روز به سال سرنوشت یعنی ۲۰۱۴ نزدیک تر می شویم، روحیهٔ عدم اعتماد میان خارجی ها ونیروهای افغان رو به گسترش است. نیروهای افغان نیاز به آموزش دارند اما روحیهٔ عدم اعتماد و ترس مشاورین نظامی از سربازان افغان موجب شده تا این آموزش ها به تاخیر مواجه شود. این کار روی قدرت رزمی این نیروها تاثیر منفی برجا خواهد نهاد.

تاکنون کشور های امریکا، انگلستان، آلمان و فرانسه مشاورین خود را از ادارات دولتی افغانستان خارج کرده اند و بعضی از کشور ها حتی مشاورین ملکی خود را از افغانستان نیز بیرون برده اند. سازمان ملل متحد نیز به علت وضع نابسامان امنیتی، کارمندان خود را از ولایت ناآرام کندز بیرون کرده اند. اینها نشان از وضع نابسامان امنیتی در افغانستان دارد.

شرایط لویه جرگهٔ عنعنوی از جانب امریکا پذیرفته نشده و سرنوشت امضای پیمان استراتژیک نیز نامشخص است. این درحالیست که مسئلهٔ مذاکرات طالبان و امریکا در قطر نیز تاکنون پیشرفتی نداشته و هنوز خبری از افتتاح دفتر برای طالبان نیز در میان نیست. این وضع نابسامان می تواند روی باورهای سرمایه گذاران در افغانستان تاثیر خواهد داشت. این درحالیست که با دوام بحران اقتصادی در جهان، از میزان کمک های خارجی به افغانستان نیز کاسته خواهد شد.

وحید مژده

پیامد های بازی امریکا در منطقه

در اوایل ماه جنوری سال روان برلین شاهد نشست دو روزه ای به ابتکار دانا روهرا باکر از اعضای ارشد کمیتۀ روابط خارجی مجلس نمایندگان ایالات متحدۀ امریکا در مورد افغانستان بود. در این نشست لوگهمرت، استیوکینگ و لوریتاسانچز دیگر اعضای کنگرۀ آمریکا نیز شرکت داشتند.

شرکت کنندگان افغان این نشست در مورد تغییر نظام در افغانستان به عنوان یک ضرورت، نظرات خویش را ابراز نمودند که شامل وارد آمدن تغییراتی در قانون اساسی افغانستان بود. در این نشست روی مسئلۀ ایجاد نظام فدرالی در افغانستان بحث صورت گرفت. مسئله ای که در افغانستان حساسیت برانگیز است و بسیاری را نظر بر اینست که این کار به معنی قدم اول به سوی تجزیۀ کشور خواهد بود.

در این نشست احمد ضیا مسعود رئیس جبهۀ ملی، عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی، محمد محقق رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، امرالله صالح رئیس پیشین ادارۀ امنیت ملی افغانستان شرکت داشتند. در بیانیۀ پایانی این نشست روی ضرورت ایجاد یک نظام غیر متمرکز در افغانستان تاکید گردید.

در چنین نشست ها، معمولا فقط مسایلی به بیرون درز می کند که کمتر حساسیت برانگیز باشد. اما مسایل اصلی که اجندای مذاکرات را تشکیل می دهد، در پرده باقی می ماند.

نشست برلین در افغانستان با عکس العمل های مخالف مواجه شد که می توانست ضربه ای به وجهۀ سیاسی شرکت کنندگان آن نشست باشد. اما آنها تاکید کردند که در این نشست، فقط در مورد یک نظام غیر متمرکز در افغانستان بحث کردند که صلاحیت های بیشتری به ولایات داده شود و طرحی برای فدرالیزم در میان نبود.

تنها افغانستان در محور توجه این طرح امریکا نیست. امریکا از سال ها به اینطرف، طرحی برای تجزیۀ چند کشور را در سر دارد که در این اواخر، طرح تجزیۀ پاکستان با صراحت بیشتری مطرح شده است.

به گزارش رسانه ها، کمیسیون امور خارجه کنگرۀ امریکا با تشکیل جلسه ای، ضمن بررسی اوضاع بلوچستان پاکستان، از جداشدن این ایالت از پاکستان حمایت کرد. "حسین پور" از چهره‌های ملی گرای بلوچ که در این جلسه حضور داشت به امریکایی‌ها اطمینان داد که، بلوچها متحدان طبیعی آمریکا هستند و می‌خواهند بندر "گوادر" را با آمریکایی‌ها به اشتراک بگذارند. وی همچنین تاکید کرد که آنان اجازه عبور خط لولۀ گاز ایران را از زمین‌های خود نمی دهند و با طالبان نیز مبارزه می‌کنند.

مسئلۀ مهم و قابل توجه که نشست برلین در مورد افغانستان و جلسۀ کنگرۀ امریکا در مورد بلوچستان پاکستان را با هم پیوند می دهد اینست که این نشست نیز به ابتکار همان آقای دانا روهرا باکر نمایندۀ جمهوریخواه کنگرۀ آمریکا که نشست در مورد افغانستان در برلین را مدیریت کرده بود، صورت گرفت.



او با ابراز نگرانی از قطع تدارکات ناتو و پیداشدن "اسامه بن لادن" رهبر القاعده در پاکستان، گفت: پاکستانی‌ها مردی را پناه دادند که باعث مرگ سه هزار امریکایی شده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، وی طرحی را پیشنهاد کرد که خود مختاری منطقۀ ناآرام ایالت بلوچستان پاکستان را خواستار شده است. دانا روهرا باکر گفت که، بلوچ ها که اکنون بین سه کشور پاکستان، ایران و افغانستان تقسیم شده اند باید اجازه داشته باشند تا وضعیت حقوقی شان را خود شان مشخص سازند.

وی پیش از تشکیل این جلسه با انتشار مقاله‌ای از استقلال بلوچستان حمایت کرد و گفت: ما برای تضعیف قدرت افراطی موجود در پاکستان باید از طرح جدا شدن بلوچستان از پاکستان حمایت کنیم.

پارلمان پاکستان در محکومیت این اقدام مجلس نمایندگان امریکا گفت که، ایالات متحدۀ امریکا این صلاحیت را ندارد تا در مورد هر موضوعی که در پاکستان اتفاق می افتد، گفتگو کند. در این قطعنامه پارلمان پاکستان گفته شده است که «مداخلۀ امریکایی ها در امور داخلی پاکستان غیرقابل قبول است.»

وزارت خارجۀ پاکستان در بیانیه ای گفت: « به کاردار (امریکا) اطلاع داده شد که چنین کاری غیرقابل قبول است و به مفهوم مداخله در امور داخلی پاکستان می باشد.» شری رحمان سفیر پاکستان در امریکا نیز این کار را مداخله در امور داخلی پاکستان دانست.

حمایت از تجزیه طلبی در بلوچستان پاکستان مطابق به منافع دراز مدت امریکا در منطقه است زیرا امریکا علنا اعلام نموده که قصد مهار قدرت چین را دارد و این سیاست با نزدیک تر شدن روابط میان هند و امریکا جدی تر شده است. امریکا می خواهد با نزدیک تر شدن با هند، همسایۀ چین و حتی حمایت از هند برای عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد، تعادلی میان حق ویتو میان هند و چین در شورای امنیت به میان آورد و به هند نقش بیشتری در سطح بین المللی قایل شود. هند و چین در گذشته روابط خصمانه را میان خویش تجربه کرده اند و هنوز باهم اختلاف مرزی دارند. هرچند حجم بزرگ تبادلۀ بازرگانی میان دو کشور منافع مشترکی را به میان آورده که احتمال یک جنگ دیگر را تقریبا ناممکن ساخته است اما این دو کشور هنوز هم در مورد اهداف یک دیگر در منطقه مشکوک اند.

طرح «مهار چین» و یا محاصره این کشور، باید از طریق کار مشترک امریکا با همسایه های این کشور شکل عملی به خود بگیرد. این درحالیست که پاکستان با سپردن بندر گوادر در ساحل بحر هند به کشور چین، مجال حضور در یکی از حساس ترین مناطق جهان را فراهم کرده است. پاکستان حلقۀ آهنین محاصرۀ چین را درهم شکسته و این خلاف طرحی است که امریکا در مورد چین دارد. بندر گوادر در ساحل بلوچستان پاکستان و در نزدیکی خلیج فارس، به کمک اقتصادی چین ساخته شده است.

بنابراین طبیعی می نماید اگر امریکا در صدد تغییر وضع در پاکستان باشد. کشوری که به دلیل داشتن نیروی نظامی نیرومندی که در جریانات سیاسی این کشور نقش تعیین کننده دارد، گام در راه خلاف منافع امریکا در منطقه بر می دارد. امریکا نمی تواند از طریق کودتای نظامی، وضع در پاکستان را کنترول نماید.

پاکستان بخش بزرگی از تاریخ خود از سال ۱۹۴۷ را در تحت سیطرۀ حکومت های نظامی بسر برده و مشهور است که نظامیان این کشور حاکمان پشت پرده، حتی در دوران حکومت های منتخب و غیر نظامی بوده اند. فضای سیاسی این کشور هیچگاه برکنار از سایۀ نظامیان نبوده است.

بنابراین راه حل اینست که دست ارتش از تاثیر گذاری در سیاست پاکستان قطع گردد اما این کار را چه کسانی باید انجام دهند؟ بدون تردید فقط مردم پاکستان اند که می توانند به نقش دیرپای ارتش در سیاست این کشور خاتمه دهند اما این راه با یک مانع بزرگ مواجه است؛ مردم پاکستان به سیاستمداران این کشور اعتماد ندارند و حتی سیاستمداران مذهبی این کشور نیز تجربۀ خوبی از یک حکومتداری خوب و فاقد فساد را در ذهن مردم باقی نگذاشته اند. اینجاست که اکثریت مردم پاکستان به نقش ارتش به عنوان یک نیروی بازدارنده در برابر فساد سیاستمداران و رهبران احزاب سیاسی این کشور می نگرند و برای ارتش این امکان فراهم می آید تا با استفاده از این احساس مردم، همچنان بر اریکۀ قدرت باقی بماند. حتی زمانی که نیروهای نظامی این کشور در مناطق قبایلی درگیر جنگ شدند و به وجهۀ ارتش صدمۀ شدید وارد آمد، باز هم مردم علیه ارتش موضع نگرفتند. ارتش توانسته است تا نیروی اتومی این کشور را به یک مسئلۀ حساس ملی مبدل سازد. ترس از حضور امریکا در منطقه که می تواند به خلع سلاح اتومی پاکستان منجر گردد، نزدیکی امریکا به هندوستان که دشمنی دیرینه با پاکستان دارد و طرح های حمایت از تجزیه طلبی در منطقه، مردم را نگران ساخته و در نتیجه نقش انحصاری ارتش در سیاست پاکستان را تضمین کرده است. به همین دلیل، امریکا تاکنون از مهار قدرت ارتش در ساختار سیاسی پاکستان ناتوان بوده است.

در استراتژی امریکا در مورد منطقه، بلوچستان از اهمیت ویژه برخوردار است. بلوچستان بزرگترین صوبۀ پاکستان از نظر مساحت است که بیش از چهل درصد از مجموع خاک این کشور را تشکیل می دهد اما از نظر تراکم نفوس چهارمین ایالت این کشور می باشد. این ایالت دارای منابع بزرگ طبیعی از جمله گاز طبیعی می باشد اما بهرۀ مردم خود ایالت از این منابع بسیار اندک است و مردم بلوچستان در مقایسه با سایر ایالات این کشور در وضع ناگوار اقتصادی بسر می برند. همین مسئله موجب حرکت های مسلحانۀ ضد دولتی و حتی اقدامات تجزیه طلبانه در این ایالت گردیده است.

قیام های مردم بلوچ در پاکستان سابقۀ طولانی دارد. اردوی پاکستان در دهۀ هفتاد میلادی قیام مردم بلوچ را به کمک شاه ایران سرکوب کرد. ایران خود دارای اقلیت بلوچ است و شاه نگران از آن بود که حرکتی در جهت آزادی طلبی در میان بلوچ های پاکستان، پیامد های مشابه را در بلوچستان ایران به میان آورد و رویای یک بلوچستان بزرگ را در منطقه به کمک اتحاد شوروی به واقعیت مبدل سازد. به همین دلیل بود که نیروی هوائی ایران در آن زمان، نیروهای پاکستان را در سرکوب بلوچ ها یاری می کرد. مسئله ای که امروز هم می تواند به نزدیکی روابط میان اسلام آباد و تهران کمک کند. بندر گوادر که به کمک مالی و تخنیکی چین اعمار گردیده تا پایان قرن بیستم یک بندر ماهیگری بی اهمیت بود اما اکنون از نظر اقتصادی و نظامی مورد توجه است. این بندر می تواند به بیش از بیست کشور شامل کشور از آسیای مرکزی گرفته تا افریقای شرقی تسهیلات بندری تدارک نماید و به دلیل عمق مناسب، کشتی های بزرگ هم می توانند در آن پهلو بگیرند. بندر گوادر با وسعت ۷۲۵ کیلومتر در غرب کراچی واقع است که برای تقویت دفاعی پاکستان دارای اهمیت استراتژیکی است.

ادامه در شمارۀ آینده

داستان منظوم ناهید شهید و دختران قهرمان کابل در شعر شادروان استاد خلیل الله خلیلی

سحرشد مرغ حق برکنگرعرش برین پرزد
افق خندید و خورشید از فراز کوه سر برزد
به کوی و برزن کابل سپاه کفر سنگر زد
شعار پرچم داس و چکش را پشت هر در زد
وداع دختـــر و مادر بـود فـرخ تمـــاشایی
دو موجودی جدا گردد زهم پیری و برنایی
یکی لخت دلش را می برد گرگ جگرخایی
یکی را جز شهادت نیست درخاطر تمنایی
درین لحظه که هر جنبیدن مژگان زبان دارد
دو چشم خونفشان باهمدگر راز نهان دارد
دودل، آری دو دل قصد وداع جاودان دارد
سهی سروی زمنزل عزم جنگ دشمنان دارد
تو امشب می روی زآغوش گرم من به سنگرها
پرافشان چون کبوترها میان کام اژدرها
درآن وادی که می غلتد بسان گوی ها سرها
درآن وادی که میخوابد بخون سیمینه پیکرها
به سنگر می روی مادر فدای قد و بالایت
اسیر زلف پیچانت شهید چشم شهلایت
به خـونت آبیاری کن نهال آرزوهـایت
ببر تا دامن محشر به دل داغ تمنـایت
مترس از دشمن خونخوار و از تیرجگردوزش
مترس از بمب آتشبار زهرآلود جانسوزش
مترس ازگربگان لقمـه خوار دسـت آموزش
بیک فریاد مستانه بخون ترکن سر و پوزش
به سنگر می روی پیراهن گلنار در برکن
صـدای آتشینت را بمیدان آتشین تر کن
گره زلف پریشانت بزیر سبز چادر کن
سرود عشق را برخوان نوای شوق راسرکن
چراغان کن بخون خود شب جشن شهیدان را
به اشکت خیره گردان اختران و ماه تابان را
به دشمن درس ده هنگامهٔ آزاد مردان را
به پیش پای خود خم کن سر میهن فروشان را
زچشم مست شهلای تو جوشد موج خون امشب
نگاه خشمگینت دارد آهنگ جنون امشب
زشبهای دگر باشد تپش هایت فزون امشب
شده آن زعفرانی چهرهٔ تو لاله گون امشب
سپـــاه دشــمن خـونخوار آمد باز درجنبش
زمین کن تانکها افتاد سوی شهر در گردش
فضا از بارش خمپاره و بمب است در لرزش
هواپیمای غول آسا باوج افتاده در چرخش
هزاران دخـتر تکـبیر گو از هـرکنـار آمـد
حـرم پروردگان نـاز سـوی کارزار آمد
پی صیـد کبـــوتر میگ هـــای مرگبـار آمد
صـدای توپ دشمن از سر بالا حصار آمد
یکی از صف برون آمد چو ماه محفل آرایی
فرشته صورتی فرخ رخی خورشید سیمایی
سیه پوشی سیه چشمی غزالی سرو بالایی
لب جان بخش خود بکشاد باجانسوزآوایی
به خاک ما چرا ای بی خدایان پای بنهادید
به جـان مـا چرا ای داعیان صلح افتـادید
شـما بنیانگذار جـور و تزویرید و بیدادید
ستمگارید و آدمخوار و خون آشام و جلادید
کجاشد دعوی صلح و حقوق وحدمت انسان
کرملن خـانهٔ انسان بـود یا لانـهٔ شیطان
چرا یک ملت آزاد شد در اشک و خون غلتان
چرا کشتید این زنها چرا کشتید این طفلان
زچشم اشکبارش شعلهٔ آتش نمایان بود
ز هر حرفش شرار خشم و برق غیظ تابان بود
به دستش بیرق محراب و منبر بال افشان بود
هنوزش حرفهای آتشین درسینه پنهان بود
برآمد از سپاه کفر بانگ آتشین تیری
مقارن با صدای خندهٔ فرماندهٔ پیری
ازین سو شد بسوی عرش بالا بانگ تکبیری
دریغا گشت (ناهید وطن) ماه زمین گیری
به کابل کوچه کوچه عرصهٔ محشر بپا گردید
سراپا باستانی شهر ما ماتم سرا گردید
ســپاه کفر در ملک خـــدا فرمـانروا گردید
زخـون کشتگان صد نوبهار غم بنا گردید
بهرجا نعرهٔ تکبیر و چادرهای خون افشان
یکی در شعله ها سوزان یکی در موج خون غلتان
یکی را تیغ بر سینه یکی را تیر برچشمان
یکی را بر جگر خنجر یکی را بر دهان پیکان
شب آمد اختران و ماه شد در آسمان پیدا
بســـان گوهـــران ریختـــه در دامـــن دریا
شده کابل چو آن کشتی که میسوزد ز چندین جا
ســتاده در میان موج های شوم دهشتزا
نسیم آهسته تر بخرام کاینجا سینه چاکانند
عزیزان بخون خفته خیابان در خیابانند
دم آخر بخاک پاک کشــور جبهـــه سایانند
شکستـــه در بهـــار زندگانی نو نهـــالانند
متاب ای آفتاب اینجا که صدها بی کفن بینی
بســـا گلگون بدن ها را جدا از پیرهن بینی
به خون بیگناهان سرخ صحن صد چمن بینی
میـان خـار و خـارا شـاهدان سیمتن بینی
زتو می پرسم ای افسانه گوی قرنها ای ماه
زتو می پرسم ای تاریخ ای از راز دهر آگاه
شما دیدید آیا زیر این سیمابگون خرگاه
چنین هنگامهٔ وحشت به دور سال و سیر ماه
برا ای دست حق ای انتقام کبریا روزی
بکش این بی خدایان را زدنیای خدا روزی
نگون کن پرچم منحوس شان را از فضا روزی
جهان را پاک کن ازلکهٔ این اشقیا روزی

شعر غنایی در ادبیات فارسی دری

استاد عبدالعلی کوهی

به ادامهٔ شمارهٔ قبلی

گفتـه مـی شـودکه سـروده هـای هجـایی غنایی در عهد ساسـانی هـا بـا نـوای موسیقی خوانده مـی شـد کـه بـه آنهـا بـه نـام سـروده های خسروانی یاد مـی گـردد؛ چنانکـه باربـد و نکیسا و مطربـان عهـد خسرو پرویـز بـا ایـن خسروانی هـا نغمـه مـی سروده انـد، گرگـانی شاعر اوایل قرن پنج هجری گفته است:

از آن چندان نعیم این جهانی
که ماند از آل ساسان و آل سامان
ثنای رودکی ماندست و مدحت
نوای باربد ماندست و دستان

و یـا حـافظ شـیرازی بـا ایـن خسروانی هـا چنین اشاره می کند:

مغی کجای به گلبانگ رود
به یاد آور آن خسروانی سرود

شاعر دیگر چنین می گوید:

سپیده دم که عروسان خسروانی ساز
نوازند بر آهنگ خسروانی باز

باید گفت که، غـزل برجسته تـرین گونـه ی شعر غنایی فارسی دری است. غـزل در لغـت از اسم مغازله به معنای سخن گفتن بـا زنـان و عـشق بـازی بـا آنـان آمـده اسـت. امـا در اصطلاح غزل عبـارت از شعر اسـت کـه از ابیـات چنـدی متحـد در وزن و قافیـه تـشکیل شـده اسـت کـه بـت اول آن ابیـات مـصرع بـوده و شـروطش آن اسـت کـه متجـاوز از بیـست بیـت نباشد، در غزل غالبـاً ذکـر محبـوب، وصـف حـال محبوب و صفت احوال عاشق بیان می شود.

در ادبیـات فارسـی دری بـا اشـعار شـاعران نـوع غـزل بـا مفـاهیم و بـا انـواع دیگـر شـعری مثـل ترانـه، قـول و غـزل کـه مـرادف یکـدیگر مـی باشد به کار رفتـه اسـت؛ چنانچـه در شـعر حـافظ آمده است:

مغنی نوای طرب ساز کن
به قول و غزل آواز ساز کن

همینگونه چکامه یا چامـه نـوع از اشـعار غنـایی است که در اشـعار کلاسـیک مـا شـاعران فارسـی دری بـه کـار بـرده شـده اسـت؛ طـوری کـه فردوسی طوسی می گوید:

همه چامه رزم خسرو زند
همی هر زمان جامه نو زنند

شـمس قـیس رازی چیـزی را بـه نـام فهلویـات یـا پهلویـات بـه کـار بـرده اسـت کـه آن نیـز از انواع شعر های غنـایی محـسوب مـی شـود، نـوع دیگـر شـعر غنـایی همـان ترانـه هایـست کـه دارای هجـا بـوده و در دوره ی اسـلامی بـه آن رباعی هم گفته شـده اسـت. حـال چنـد نمونـه از اشعار غنایی شـاعران را بـر مـی گـزینیم. نظـامی گنجوی در یک رباعی چنین می گوید:

هر چی است از دقیق های علوم
با یکایک نهفته های علوم
خواندم و سیر هر ورق جستم
چون تو را یافتم ورق شستم

که بزرگتـرین نـوع بیـان در شـعر غنـایی اسـت که شاعر همـه چیـز، حتـا علـوم و معـارف فـدای معشوق خیالی خود مـی سـازد و یـا حـافظ چنـین تخیل می نماید:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندو اش بخشم سمرقند و بخارا را

که اینها همه از نمونـه هـای بلنـد شـعر غنـایی در ادبیـــات فارســـی دریـــست، معـــشوق خیـــالی سـعدی همـه و همـه چـان مایـه هـای اساسـی شـعر غنـایی را در ادبیـات فارسـی دری نـشان می دهد:

شمع را باید از این خانه برون بردن و گفتن
تا که همسایه نداند که تو در خانه ی مایی

اینهـا و ده هـا نمونـه در ادبیـات کلاسـیک مـا وجود دارد کـه شـاعر دسـت بـه تخلیـق معـشوق خیالی زده و با آن به گفتگو می باشد.

دعای سبز گیاه

به رگ رگش چو روان شد روان آزادی
به برنمود وطن طیلسان آزادی
دعای نیمه شب خستگان اجابت شد
خجسته سورهٔ فتح مبین تلاوت شد
شکفته گشت گل عهد دی به باغ دلم
شراب شوق سفر کرد پر اياغ دلم
برآن شدم که شوم سوی زادگه راهی
که هست عشق وطن همچو آب و من ماهی
چه سالها زغمش عاشقانه موئیدم
تمام عمر به صحرای داغ روئیدم
بهار بود و پر از عطر سبزه کوه و راغ
و گاه [illegible] گلها – سب[illegible]د – از باغ
به من سلام پر از عشوهٔ شقایق ها
طرب به لوح دل خسته می نمود انشا
صبا ز چهرهٔ من مادرانه می بوسید
و تار و پود غم و درد کهنه می پوسید
طلوع دست طراوت، به هر نگه میرست
غبار هر چه الم را، ز قلب من می شست
ز شوق همچو نسیم سحر خروشیدم
و بوی مست علف جرعه جرعه نوشیدم
(دعای سبز گیاهان) رفیق راهم بود
صفای مردم پر مهر تکیه گاهم بود
سرود عشق ز لبهای جمله شان جاری
و از صحیفهٔ دل شعر امتنان جاری
به سوی زادگهم عاشقانه می رفتم
خوشی نداشت نهایت که خانه می رفتم
چه مهربان و صمیمی بود زن و مردش
وطن که هست شرافت همه فراوردش
عزیز خطهٔ من باد تا ابد آباد
ز بند درد و غم و بردگی آزاد
روم زصدق زنم بوسه بر جبین خاک
و جویم از نفحاتش علاج سینهٔ چاک
وطن! چه خوب و صمیمی بود زن و مردت
به ویژه قریه نشینان پاک و بادردت
ایا یلان و رسا قامتان هر میدان!
وای صبورتر از صخره های کوهستان!
زکوی مشرق مقصد چو باره بر بستید
چو مهر سنگر شب های فتنه بشکستید
به من بود ز شما بعد از این جدایی سخت
که بی شما نشود سازگار با من بخت
به عذر آمده سیلاب اشک خجلت من
فدای تان سر من بهر جرم ترک وطن

زبان مادری

تکساری

سازمان علمی و فرهنگی یونسکو روز ۲۱ فبروری را روز زبان مادری نامگذاری کرده است. که ارزش و اهمیت زبان مادری را نشان می دهد. زیرا زبان وسیلهٔ حفظ و انتقال ارزش های ملی کشورها به نسل ها و ملت های دیگر می باشد. زبان نه تنها باید حفظ گردد، بلکه بر احاد کشور ها و جوامع لازم است، تا در جهت انکشاف و تحول آن بکوشد. زیرا زبان مانند کودک رشد می نماید، جوانه می زند، به پختگی می رسد. و در عدم توجه و اهتمام به آن به پیری می گراید.

هستند زبان های که در حوزهٔ تمدن جهان اثرگذار می باشند و دارای چنان بار معنایی اند که می توان علوم و دستآوردهای بزرگ بشری را از طریق آن به داخل جوامع انتقال داد. بسیاری به این باور اند که نباید در برابر زبان بی تفاوت بود. بلکه باید آن را از گزند حوادث نجات داد .

انتقال ساینس و تکنالوژی باید از طریق زبان های مادری قابل تحمل و پذیرش بوده باشد. زیرا همه ساله واژه ها، مصطلحات علمی، فنی، سیاسی و اجتماعی داخل زبان های ملی می گردد. جای دارد که برای این واژه های خارجی که از طریق تکنالوژی داخل زبان می گردد؛ بر ایشان معادلت پیدا کرد و زبان مادری را از پراگندگی نجات داد. هر گونه تحولات و دگرگونی های سیاسی، علمی و انتقال تکنالوژی باید از طریق زبان های ملی صورت گیرد، و السنهٔ ملی نباید مورد گزند قرار گیرد. همین سان که ارزش های دینی و هویت ملی باید از اثر حوادث در امان باشد، همین گونه زبان ملی نباید مورد دستبرد و بی تفاوتی قرار گیرد .

در مادهٔ شانزدهم قانون اساسی زبان های دری، پشتو، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه یی، نورستانی، پامیری و سائر زبان های رایج در کشور، پشتو و دری زبان های رسمی دولت می باشد. دولت برای تقویه و انکشاف همه زبان ها افغانستان پروگرام هایی موثر طرح و تطبیق می نماید. دولت مکلف است تا در جهت تقویهٔ و انتشار زبان های افغانستان، به ویژه دری و پشتو که از جمله زبان های رسمی در کشور است؛ برنامه های جدی روی دست گیرد.

زبان فارسی دری با لهجه های متفاوت در افغانستان، ایران و تاجیکستان کاربرد دارد. جای دارد که به خاطر تقویه و انکشاف زبان دری در این سه کشور برنامه هایی روی دست گرفته شود، تا دستآوردهای این زبان در این کشورها حفظ گردد. بی مورد نیست که نظر به تصامیم سه رئیس جمهور (افغانستان، تاجیکستان، ایران) قرار است که تلویزیون فارسی زبانان در شهر دوشنبه در نوروز سال ۱۳۹۱ هجری شمسی به فعالیت آغاز نماید که این کار یک نوع تلاش در جهت تقویت زبان دری در کشور می باشد.

زبان دری یک زبان محلی و منطقه یی نیست، بلکه این زبان شامل حوزهٔ تمدنی جهان می باشد و در ایجاد تمدن بزرگ شرق و غرب در دنیای اسلام نقش برجسته دارد. زبان فارسی دری بعد از زبان عربی، زبان دوم محسوب می شود، بسیاری از کشورها دین اسلام را از طریق این زبان آموختند. دین اسلام در شبه قارهٔ هند و آسیای میانه به وسیلهٔ زبان دری رسوخ پیدا کرده است .

موجودیت شاعران بزرگ چون مولانا، فردوسی، رودکی، نظامی، جامی و دیگران این زبان را به جهان معرفی کرده است، نمی توان از شهکار های بزرگ این زبان اینکار کرد و آنرا با سائر زبان های محلی محک زد. همین گونه زبان پشتو باید مورد حمایت دولت قرار گیرد، زبان دری و پشتو دو زبان خویشاوند و از ریشهٔ اروپایی است، خاستگاه، جایگاه و محل رشد و بالندگی این دو زبان جغرافیای سیاسی افغانستان است. باید این جغرافیای سیاسی را از پراگندگی های زبانی و فرهنگی نجات داد. نمی شود زبان را با تعصب تقویه کرد و یا جلو رشد، زبان دیگر را گرفت .

رشد زبان ها در همسویی و همکاری متصور است، حاکمیتی که بخواهد جلو رشد یک زبان را بگیرد، در حقیقت می خواهد جلو رشد زبان حاکمیت را نیز سد سازد. کشوری که امروز مولانا، فردوسی و جامی را در خود دارد، اما در سرود ملی برایش در نظر گرفته نمی شود. این کار بستگی به جو حاکمیت و معامله های آشکار و پنهان دارد.

افغانستان نیاز به تقویهٔ زبان های خویش، منجمله پشتو و دری دارد، نباید از زبان، سکوی برای پرواز و سیاست ساخت. وقتی که زبان پشتو و دری زبان های رسمی افغانستان است، اما برتری یک زبان بر زبان دیگر یک نوع پرادوکس آشکار است و هیچ گونه توجیه قانونی ندارد. امروز فرهنگ غنامند و کهن سال سرزمین ما را هاله یی از غبار و نا امیدی پوشانیده است. این تقلاها کاری به جایی نخواهد برد و به چنین اشتباهات نقطه پایان داده خواهد شد .



به دنبال حادثهٔ تکان دهندهٔ بگرام:

روابط افغانستان با جامعهٔ جهانی دچار چالش شده است

به دنبال حادثهٔ قرآنسوزی از سوی یک افسر امریکایی در بگرام، نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد برای افغانستان می گوید که، بی حرمتی اخیر به قرآنکریم در افغانستان و عکس العمل ها در این مورد، مشکلاتی زیادی را در روابط جامعهٔ جهانی و افغانستان ایجاد کرده است.

یان کوبش که به روز پنجشنبه ۱۱ حوت سال روان در یک نشست خبری صحبت می کرد، از نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان خواست، تا کسانی را که به قرآنکریم کتاب مقدس مسلمان جهان بی حرمتی کرده اند هر چه عاجل شناسایی و مورد بازپرس قرار دهند.

این اظهارات در حالی صورت می گیرد که اعتراضات گستردهٔ مردم به خاطر بی حرمتی به قرآنکریم، درسراسر کشور به حالت عادی برگشته است. اما نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد در افغانستان، هشدار می دهد که شاید برخی از حلقات یکبار دیگر برای مختل ساختن وضعیت در این کشور تلاش کنند.

این نشست خبری آقای کوبش گفت که، بی حرمتی به قرآنکریم مشکلات جدی را میان افغانستان و جامعهٔ جهانی ایجاد کرده است، اما در مورد مشکلات ایجاد شده جزئیات بیشتر ارائه نکرد.

نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد برای افغانستان می گوید، اگر این حادثه به طور اشتباهی هم صورت گرفته باشد، سازمان ملل متحد آن را محکوم می کند.

به دنبال این حادثه توسط نیروهای بین المللی در افغانستان، مقامات ایالات متحدهٔ امریکا به خصوص رئیس جمهوری آن کشور از حکومت و مردم افغانستان معذرت خواسته است. اما نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد برای افغانستان تاکید نمود که نیروهای بین المللی در افغانستان باید نتایج تحقیقات شان را در مورد قضیهٔ بی حرمتی به قرآنکریم منتشر کنند.

این درخواست از سوی نمایندهٔ سازمان ملل متحد در حالی صورت می گیرد که حکومت افغانستان و نیروهای بین المللی تحقیقات شان را برای شناسایی عاملین در زمینه آغاز نموده اند و قرار است درآیندهٔ نزدیک یافت های خود را با مردم افغانستان شریک سازند.

پیامبر (ص) از ولادت تا هجرت به حبشه

پیامبر (ص) در حالتی از اندوه و ناراحتی

بعد از این که وحی بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل شد، بیشتر اوقات خود را برای طاعت و عبادت و تفکر در آیات و نشانه های او در غار حراء سپری می نمود. اما مدتی گذشت و هیچ گونه آیه ای جدید بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل نگردید. پیامبر صلی الله علیه وسلم ناراحت و غمگین بود؛ چون فکر می کرد که خداوند جل جلاله او را تنها گذاشته است. اما هر وقت چنین فکری به سراغ پیامبر صلی الله علیه وسلم می آمد، جبرئیل (ع) بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل می شد و می گفت: (رسول خدایی).

البته اگر مدتی « وحی» بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل نشد به این خاطر بود که حالت اولیهٔ پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام نزول وحی که همزمان با ترس و لرز بود، بر طرف شود و شوق و اشتیاق پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دریافت وحی بعدی بیشتر گردد. این بود که وقتی شوق و اشتیاق پیامبر صلی الله علیه وسلم به نهایت خود رسیده بود، خداوند آیات بعدی را بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل کرد؛ آیات نازل شده این است:

(سوره ای مدثر آیه ۱–۸)

« ای جامه بر سر کشیده! برخیز و مردمان را زا عذاب خداوند بترسان.

و تنها پروردگار خود را به بزرگی یاد کن،

و جامه ای خویش را پاکیزه دار.

و از چیزهای کثیف و پلید دوری کن.

بذل و بخشش را برای این مکن که افزون طلبی کنی.

و برای خشنودی پروردگارت شکیبایی کن.

از وقتی که این آیات بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل شد، مسؤولیت خطیرایشان که تبلیغ و انذار مردم بود، شروع شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم اگر تاکنون تنها به تزکیه و تعلیم و تربیت درونی خویش می پرداخت، اما امروز باید تبلیغ و ارشاد مردم را به سوی خدا بر عهده گیرد و در راستای دعوت آنان به پروردگار اگر دچار رنج و زحمتی شود، نباید ناراحت و غمگین شود؛ لذا پیامبر صلی الله علیه وسلم کار دعوت و تبلیغ را شروع نمود.

مراحل دعوت پیامبر صلی الله علیه وسلم

بعد از نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه وسلم مراحل جدیدی در زندگی ایشان آغاز گردید، لذا در اولین مراحل آغاز وحی شروع به دعوت مردم نمودند. مراحل دعوت پیامبر صلی الله علیه وسلم را می توان به دو دوره تقسیم نمود:

۱- دعوت پنهانی (مخفی)

پیامبر صلی الله علیه وسلم در این دوران فقط افرادی را که می شناخت، به اسلام دعوت نمود. شروع دعوت در میان قوم و قبیله ای پیامبر صلی الله علیه وسلم به این خاطر بود که قوم و قبیله ای آن حضرت صلی الله علیه وسلم مردمی بی فرهنگ بودند و جز بت پرستی و شریک قائل شدن به خدا آئینی نداشتند و اگر بر بت پرستی و خرافه پرستی خود اصرار می ورزیدند، به این خاطر بود که پدران و نیاکانشان را بر این آئین یافته بودند.

انان چیزی را اخلاق پسندیده ای انسانی نمی دانستند و با این وجود آنان ریاست و رهبری جامعه ای عربستان را عهده دار بودند؛ بنابر این پیامبر صلی الله علیه وسلم می بایست ابتدا دعوتش را به صورت پنهانی شروع نماید تا قوم او که به طور ناگهانی و به صورتی غیر منتظره با دعوت آسمانی اسلام روبرو می گردند، آشوب بر پا نکنند.

دوران دعوت پنهانی سه سال طول کشید. پیامبر صلی الله علیه وسلم در این سه سال طرفدارانی پیداکرده بود که با جان و دل از او پاسداری و حمایت می نمودند. پیامبر صلی الله علیه وسلم ابتدا دعوت خویش را از خانواده ای خود شروع نمود؛ خدیجه، همسر و دلسوز پیامبر اولین کسی بود که به وی ایمان آورد. بعد از آن، زید بن حارثه، برده ای آزاد شده ای پیامبر صلی الله علیه وسلم و سپس علی ابن ابی طالب به وی ایمان آوردند. کسانی که از همان ابتدا به پیامبر صلی الله علیه وسلم ایمان آوردند، عبارتند از:

ص۷



ځغلنده کتنه:

اسلامي نهضت د حکمتیار لیکنه

محمد نسیم فقیري

ښاغلی ګلبدین حکمتیار د اوسني افغانستان د تاریخ یوه برخه ده. په اسلامي نهضت کې د ده له نقش ځخه هیڅوک نشي کولې چې سترګی پټی کړي. ۴۳ کاله ئي د افغانستان په سیاسي او نظامي برخو کې ونډه لرله.د ده د نوم او فعالیتونو په هکله په بیلابیلو کتابونو، مجلو، نشریو او سایټونوکی مثبت او مخالف نظریات شته دی...

د ښاغلی حکمتیار او دهغه د سیاست او استعداد په اړه او همدارنګه د رهبری او مشرتوب په هکله منفي او مثبتی ارز ونی شوی دي... ځینی کسانو له نږدی هغه سره لیدلی او ډیر کسان له لری د هغه په هکله نظریي او تعبیرونه لری...

مالــه نږدهی ځخه په کال ۱۳۵۱ کی د شهید حاجي عبدالقدیر په ګډون حکمتیار سره د کابل پوهنتون په لیلیه کی ملاقات در لودل. زه د مهترلام بابا ښار د روښان لیسی د لسم ټولګي شاګرد و م چې شهید حاجي عبدالقدیر لغمان ته راغلی ؤ او زما له پلار ځخه یې اجازه و اخیست او زه یی له ځان سره کابل ته بوتلم... د ځوانو مسلمانانو او شعله یانو تر منځ چه کومه نښته په کابل پوهنتون کې شوی وه، زه او شهید حاجی عبدالقدیر یوځای پوهنتون ته ور غلي ؤو. د حقوقو د پوهنځی مخی ته ځوانان مسلمان راټول شوی و او ښاغلی حکمتیار دوی ته وینا کوله. په دی غونډه کی زما سترګی په دوو ځوانانو و لګیدی ، یوئی شهید داکتر عمر د طب د پوهنځی محصل او بل یی انجنیر عبداللطیف حلیمی د زراعت دپوهنځی محصل ؤ. حلیمي زمونږ دکلي اوسیدونکی او کلیوال و او هم د اسلامی نهضت له مخکښانو ځخه ؤ چی مخکښی لدی غونډی ځخه موله هغه سره د نهضت له کبله وروری زیاته شوی وه..

د دوی په لاسونکی سوټی وی او له بلي خوا د پوهنتون د جمنازیوم مخی ته دشعله یانو غونډه او جنګ ته یی تیاری نیوه...

د دی غونډی او دهغه د پایلو په هکله ما خپل خاطرات چه له مشهد ځخه خپریده((امت مجله)) کې یادداشتونه لیکلی اوهم شهید حاجي عبدالقدیر په مشهد کی د ((میهن)) په مجله کی ورته خاطری لیکلی او زما نوم هم پکی یاد شوی دی...

له غونډی ځخه څو ورځی و روسته د کابل پوهنتون په لیلیه کی. په یو نا څرګنده کوټه کی د حکمتیار لیدنی ته ورغلو، ځکه چی په پوهنتون کی د امتحانونو شپی وی حکمتیار او ځینی معروف و رونه د پولیسوتر تعقیب لاندی و. د ډیرو محصلینو په منځ کی لومړی داکتر محمد عمر، طب پوهنځی ته او بیا حکمتیار انجنیري پوهنځی ته ور کیدل...

د حکمتیار له خبرو ځخه یوه مهمه خاطره دا وه چی سیدال سخندان د شعله یانو له جملی ځخه دجنګ په میدان کی ټپی او وژل شوی ؤ او بیا په لوګر کی د مسلمانانو په هدیره کی خښ شوی و، نو د هدیری د مړو خپلواکیسه کوله چی زمونږ مړی په خوب کی راځی او وایی چی یوشقی او بی دینه کس مړشوی او زمونږ په هدیره کی ده او په هغه باندی عذاب نازل کیږي.... د داوود خان کودتا په درسی وخت کی و شو چی حکمتیار او ځینی معروف ورونه د دهمزنګ په زندان کی ؤ زه او شهید حاجي سمیع الله اسلام پناه په کابل کی د شهید مولوی حبیب الرحمن د ګذرګاه په جومات کی او سیدو... له مولوی صاحب سره یوځای د دهمزنګ زندان ته د حکمتیار او نورو ورونو دلید لو لپاره ور غلو... حکمتیار له شهید انجنیر حبیب الرحمن دپولی تخنیک له محصل سره خبری و کړی... له کودتا نه مخکی هم زندان ته ورغلی و او حکمتیار د پوهنتون د محصلینو د ټاکنی په هکله له مقتدر سره د حقوقو دپوهنځی محصل ؤ خبری وکړی او ویی ویل: اوس چی ټول اکثریت زمونږ له و رونو سره دی او کمونستان نه غواړی چی اتحادیه جوړه شي، نو تاسی ټول باید استعفا ورکړي...

بیاپه پاکستان کی په کال ۱۳۵۷د ثور په میاشت کی زه د افغانستان له اسلامي حزب سره ورډري وه او ټول په حزب کی ولکه صائم صاحب ولایت خان او ... یوځای شوم او په فرهنګی کمیته کی چی ((شهادت)) یی خپراوه، کار کاوه... کله چی حرکت انقلاب اسلامی افغانستان د اسلامي حزب او جمعیت اسلامي د اتحاد او ادغام په نتیجه کی منځ راغی نو بیا هم زه او مرحوم استاد محمد عباس مشفق په فرهنګی کمیته کی له حکمتیار صاحب سره یوځای ؤ ځکه چې مرحوم مولوي محمد نبی محمدي د حرکت د مشر په حیث او انجنیر حکمتیار د فرهنګی کمیتی رئیس او شهید استاد ربانی د سیاسی کمیتی رئیس و. له هغه ځخه و روسته هم څوځلی په مختلفو مواقعوکی له حکمتیار صاحب سره مي له نږدی ملاقات شوي او مهمه خاطره: د اسلامی حزب، مشورتی بورد هغه غونډه وه چی د سید جمال الدین افغانی رود پیښور کی جوړه شوی وه. د اسلامي ګوند ، بیلابیلو ګوندونو ته د افراد په نوم دعوتنامی لیږلی وی چی په دی بحث او مناقشه کی برخه واخلی. حکمتیار د افغانستان راتلونکی په اړه د خپل ځان او یا ګوند طرح او دریغ روښانول و... کیداي شي چی ۱۳۶۷ کال وي!!

حکمتیار د انتخاباتو په هکله خبری و کړی او د متناسبی نمایندګی طرح یی و راندی کړه... د غونډی منتظم ښاغلي امامی غوری و. د حکمتیار صاحب له خبرو و روسته ، مالاس پورته کړ چی خبری و کړم، غوری و ویل چی خپل سوال باید ولیکی او ما وویل چی تشریحی بڼه لري لیکل کیږي نه! ښاغلی حکمتیار مداخله و کړه او ویی ویل ! پریږده چی خبری و کړی او بل وروته ئي اشاره و کړه چی ګرځنده مایک هم ورته یوسی...

ما هم خبری وکړی او سو پوښتنی می مطرح کړی. حکمتیار صاحب په ځواب کی وویل:

چی مهم سوالونه دی او زما په فکر کې هم دا سوالونه ؤ او خدای د وکړی چی و توانیږم ځواب یی در کړم... دغونډی ټوله برخه او په تیره زما سوال له عکس سره یوځای د شهادت په نشریه کی چاپ شو....

له ښاغلی حکمتیار سره نوری کتنی او بحثونه هم شوی چی د موضوع د اوږدیدوله کبله و رځخه د ډه کوم امانه پوهیږم چې حکمتیار ولی دغسی خاطری په خپل کتاب کی ندی لیکی راځو اصل مطلب ته:

کیداي شي په دی کتاب باندی څو ځغلنده کتنی ولرو:

1 - کتاب تاریخ نلري او نه هم کتاب پیژندنه ! نه معلومیږی چی په کوم کال چاپ شوی، د چاپ تعداد او نور... دادیو کتاب لویه غلطی ده چی لوستونکی خبرنه دی چی داکتاب په کوم کال او کومه میاشت او په کوم ځای کی چاپ شوی... د کتاب په داخلي او له صفحه کی عرض ناشر چاپ شوی خو بیا هم نده معلوم چی ناشر څوک او کومه دستګاه ده او کوم تاریخ...

2 - د ((عرض ناشر)) په مخ کی لیکل شوی چی د دی مهم کتاب یوه برخه چاپ شوی، نو لازم وچی د کتاب په بهرنی او داخلی تایتل کی لیکل شوی ووي ((اول ټوک))! ځکه د کتاب له عنوان سره د کتاب متن، اړخ نه لګوی. په تیره بیاچی د کتاب د عنوان په بنی اړخ کی لیکل شوي: د نا دري کورنی. له راو ستو د روسانو ترایستو نو باید چی اول ټوک یا جلد اول لیکل شوی واي.

3 - اسلامی نهضت کی د افغانستان د معاصر تاریخ خیني برخی شته... په دی کی هیڅ شک نشته چی داسلامی نهضت له تاریخ سره د معاصر افغانستان تاریخ اړخ لګوی خو ډیراو تفصیلی معلومات ته شاید ضرورت نه وي. همدا رنګه د اسلامی امت د فکر او اعتقادي ځلورمی مرحلی په تفصیل سره یادول، بیاهم د اسلامی نهضت له تاریخ سره نږدی اړیکه نلری...

4 - دسیاسی جریاناتو په هکله معلومات ورکړل شوی خو ډیر کم او اصلا تاریخ نلری! داچی فلان جریان په کوم کال کی تأسیس شو او ددی جریان مرام او اساسنامی یې څه ډول دئی

5 - ښاغلی حکمتیار د قوی حافظی ښتن دی خو ولی ځینی واضیح واقعیتونو ته متوجه شوی ندی! د مثال په ګوته د اسلامی نهضت د کتاب په ۱۲۷ مخ کی لیکلی:

((د شهید منهاج الدین ګهیخ په شهادت سره د ګهیخ نشریه متوقف شوه.))

په داسی حال کی چی د شهید ګهیخ له شهادت نه څه موده و روسته د شهید مولوی عبدرب احدی وردګ په مشری د ګیهخ جریده بیا چاپ شوی ده او د داوود خان له کودتا ځخه و روسته د مطبوعاتو آزادی لکه نوری آزادی پای ته ورسیدی.

6 - همدارنګه د کتاب په همدی مخ کی د مساوات تر عنوان لاندی په آخری سطرکی راغلی دي((: د محمد هاشم میوند وال له اعدام ځخه وروسته د مساوات نشریه متوقف شوه)) په داسی حال کی چی ټول آزاد مطبوعات د داوود خان له استبدادی کودتا ځخه وروسته و درول شول نه د میوندوال له اعدام ځخه وروسته!

7 - د دیموکراسی په لسیزه کی مطبوعاتي جګړی ته هم باید اشاره شوي واي:

د ځوانان مسلمان او خلقیانو ترمنځ چی کومه جګړه په پولی تخنیک شوی وه او خلقیانو د مساوات په جریده کی ((خلقي ها از خود دفاع مـی کننـد)) تر عنوان لاندی پر ځوانان مسلمان باندی ئی برید کړی ؤ نو د شهید حبیب الله سامع په نوم ((خلقی نما ها باشرافت تاریخی مردم بازی می کنند)) په ګهیخ کی هم یو مضمون خپور شوی و چی ګمان کیږي انجنیر حکمتیار او شهید انجنیر حبیب الرحمن لیکلی وی یا په لیکوکی ئی برخه اخیستی وي!

8 - د کتاب په ۱۳۸ ځخه تر ۱۴۲ پوری د اسلامی نهضت د نورو مؤ سینو لنډ سوانح هم راغلی خو بیا هم تاریخ نلری او دانده معلومه چی فلان شهید په کوم کال پیداشوی په کوم کال مکتب کی شامل شوی او بیا پوهنتون ته شامل شوی او په کوم کال میاشت او ورځی کی شهید شوی.

9 - داسلامی نهضت په کتاب کی د نهضت د هغو استادانو او مشرانو حتی نوم هم نشته چی د دی نهضت او د خدای لپاره شهیدان شوی او د هغوی نوم د حزب اسلامی په ((شفق)) مجله کی د جهاد په وختونوکی حتی د مجلی په تایتل کی چاپ شوی وي لکه شهید پوهاند غلام محمد نیازی د شرعیاتو د پوهنځی انتخابی رئیس...

10 - د مسلمانانو او کمونستان ترمنځ چی کوم بحثونو په مرکز او ولایاتوکی شوی دی که څه هم جالب دی خو د اسلامی نهضت له تاریخ سره نږدی اړیکه نلری... دا بحثونه په تفصیل سره له ۱۴۳ ځخه تر ۱۷۸صفحی پوری احتوا شوی او ډیر تفصیلی او د نن ورځی شرایطوسره زیات تطابق نلری...

11 - په ۱۸۶ مخ کی د محصلینو د اتحادیي په هکله خبری شوی چی له ۵۶ ځخه ۳۷ غړی د ځوانان مسلمان متهدین وو.! بیاهم تاریخ نده ذکر شوی!

12 - تاریخی امانت ډیره مهمی مسآله ده ... که چیری د شهید پوهاند غلام محمد نیازی، شهید استاد برهان الدین ربانی او دهغه څرګند علمی او فرهنګی خوځښت لکه د استاد فی الظلال القرآن دری ترجمه ((درسایه های قرآن)) او د شرعیاتو د مجلی مدیریت د استاد عبد رب الرسول سیاف او نور نومونه په اسلامی نهضت کی نه یادیږی نو د انجنیر احمد شاه احمدزی نوم چی د نهضت له مخکښانو ځخه دی او د مرحوم عبدالرحیم نیازی د ناروغی په وخت کی ئی

د هغه خدمت کړی او دهلی ته و رسره تللی و، نو باید په ۱۹۸ مخ کی دهغه نوم او خدمت ذکر شوی وای. دا وه د ښاغلی حکمتیار په کتاب ((اسلامی نهضت)) یو ځغلنده کتنه ...

کیدای شی چی دا لیکنه ښاغلی حکمتیار ته ورسیږی او لاژم اصلاحات په کتاب کښي راولی

پای

پیامبر (ص) از ولادت تا هجرت به ...

۱- خدیجه ۲- زید بن حارثه ۳- علی ابن ابی طالب ۴- ابو بکر صدیق ۵- عثمان بن عفان ۶- زبیر بن عوام ۷- عبدالرحمن بن عوف -۸ سعد ابن ابی وقاص ۹- طلحه بن عبیدالله -۱۰ عبدالله بن مسعود -۱۱ ابوذر غفاری -۱۲ سعید بن زید عدوی ۱۳- فاطمه خواهر عمر فاروق ۱۴- ام الفضل، همسر عباس بن عبدالمطلب ۱۵- او سلمه عبدالله بن اسد مخزومی ۱۶- خالد بن سعید ۱۷- ارقم بن ابی ارقم ۱۸- عمار بن یاسر ۱۹- یاسر ۲۰- خباب بن ارت و...

این جماعت که در ایمان بر دیگران سبقت و پیشی گرفتند، در تاریخ اسلام به « سابقین اولین» مشهورند و خدا از این گروه در همه جا اعلام رضایت و خشنودی نموده است. در شماره های بعدی به خصوصیات و صفات یاران و اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم بیشتر خواهیم پرداخت.

در سه سالی که دعوت پیامبر صلی الله علیه وسلم به صورت پنهانی صورت می گرفت، او و یارانش سختی ها و دشواری های زیادی را تحمل نمودند، به گونه ای که حتی نمی توانستند به طور علنی و آشکار و در مقابل چشمان قریش نماز بخوانند یا قرآن بیاموزند و تلاوت کنند. آنها برای آموزش قرآن و نماز به کوه ها پناه می بردند و نماز شان را از اقوام و قبیله ای خویش پنهان می کردند. در این دوران خانه ای « ارقم بن ابی ارقم» نیز به عنوان یکی از مراحل دعوت و تبلیغ اسلام انتخاب گردید.

به بهانهٔ هشتم مارچ فرارسی روز جهانی زن،
با مادران مومنان (همسران پیغمبر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم) اشنا شوید

مادران مؤمنان

امهات المؤمنین (مادران مؤمنان) همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم هستند و همه مورد تجلیل و احترام امت می باشند و از آن جا که مادر مسلمین هستند بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم با کسی دیگر ازدواج نکردند.

امهات المؤمنین (مادران مؤمنان) همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم هستند که تعدادشان یازده زن بوده است که شش آن قریشی و چهار عرب (غیر قریشی) و یک غیر عرب بوده است، همسران قریشی پیامبر صلی الله علیه وسلم عبارت از:

۱) خدیجه دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزیز بن قصی بن کلاب.
۲) عایشه دختر ابوبکر صدیق بن ابی قحافه.
۳) حفصه دختر عمر بن خطاب.
۴) ام حبیبه دختر ابوسفیان، اسمش رمله هست.
۵) ام سلمه دختر امیه بن سهیل.
۶) سوده دختر زمعه.

و امهات المؤمنین عرب که از قبیله قریش نیستند عبارت اند از:

۱) زینب دختر جحش بن رئاب بن اسد بن خزیمه.
۲) میمونه دختر حارث بن حزن ابن قیس بن غیلان الهلالیه.
۳) زینب دختر حزیمه بن حارث ابن قیس الهلالیه.
۴) جویریه دختر حارث بن ابی ضرار، از بنی مصطلق.

اما تنها همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم که عرب نیست صفیه دختر حیی بن اخطب که از قبیله بنونظیر است.

اینها ازواج پیامبر صلی الله علیه وسلم و مادر همه مؤمنین اند و ضمناً اولین زنی که پیامبر صلی الله علیه وسلم او را به همسری برگزید خدیجه بود و تا زمانی که خدیجه زنده بود پیامبر صلی الله علیه وسلم با زنی دیگر ازدواج نکرد. بعد از وفات خدیجه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مکه با سوده ازدواج نمود و بعد از آن دو سال قبل از هجرت، عایشه را به عقد خویش درآورد، و در سال دوم هجری بعد از واقعهٔ جنگ بدر با اُم سلمه ازدواج نمود، سپس حفصه را به همسری برگزید و در سال سوم هجری زینب دختر جحش نیز در زمره همسران آن حضرت صلی الله علیه وسلم قرارگرفت، در سال پنجم هجری با جویریه ازدواج کرد و در سال ششم هجری ام حبیبه نیز به امهات المؤمنین اضافه و به شرف همسری پیامبر مفتخر گردید، بعد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با صفیه و میمونه دختر حارث و سپس با زینب دختر خزیمه ازدواج نمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با همسرانش با اخلاق خوب و مهربانی رفتار می کرد، وقتی که از عایشه پرسیده شد که اخلاق پیامبر صلی الله علیه وسلم با خانواده اش چگونه بوده است؟

گفت: اخلاق پیامبر صلی الله علیه وسلم از همه مردم بهتر بود، او ناسزا و سخن زشت به زبان نمی آورد، و در بازارها فریاد و پرخاش نمی نمود، و بدی را با بدی پاسخ نمی داد بلکه، گذشت می نمود و می بخشید.

و نیر عایشه رضی الله عنها گفت: او مانند یکی از شما مردان بود، که از زنانش به خلوت می نشست، اما بهترین و مهربان ترین و خوش اخلاق ترین شوهری بود، همواره لبخند بر لبانش نقش می بست.

اینگونه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با بزرگواری و نرم خوئی با زنانش رفتار می نمود، همواره لبخند پرمهر و عطوفت آن حضرت صلی الله علیه وسلم بر چهره همسرانش، زندگی را برایشان زیبا می نمود، آنها نیز او را زیاد دوست می داشتند تا جایی که این محبت به رشک بردن و غیرت ورزیدن می انجامید. روایت است که یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم به نام صفیه دختر حیی بن اخطب غذایی لذیذ می پزد و آن را در ظرفی برای پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرستد. عایشه نیز غذا آماده کرده و در ظرفی می گذارد، ناگهان می بیند که غذای صفیه قبل از غذای او به پیامبر صلی الله علیه وسلم رسیده است، عایشه ظرف غذای او را به زمین می کوبد، ظرف می شکند و دو تکه می شود، پیامبر صلی الله علیه وسلم دو تکه ظرف را بر می دارد و به همدیگر می چسباند و به اطرافیان می گوید: بخورید غیرت مادرتان جوش کرده است. بعد از صرف غذا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ظرف عایشه را برای صفیه می فرستد و ظرف شکسته را در خانهٔ عایشه نگهداری می نماید و می گوید: ((غذا در برابر غذا، و ظرف در برابر ظرف)).

عایشه متوجه می شود که بر اثر جوش غیرت و رشک بردن مرتکب چنین کاری شده است به پیامبر صلی الله علیه وسلم می گوید: ((کفاره کاری که کردم چیست؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: ظرفی مانند همان ظرف و غذایی مانند آن غذا، اشتباه تو را جبران می کند)).

و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در خانه، کارهایش را خودش انجام می داد و همه کارها را برای زنان نمی گذاشت، گوسفند می دوشید، لباسش را می دوخت و برای خود و همسرانش کار می نمود و چون وقت نماز فرا می رسید برای ادای نماز بلند می شد و خانه را به سوی مسجد ترک می گفت.

و این چنین زنان شریف و نجیب پیامبر صلی الله علیه وسلم در خانه پیامبر زندگی بسر کردند که تا زمانی او زنده بود کانون خانواده اش گرم و فضای آن را محبت پرکرده بود و زنان پیامبر صلی الله علیه وسلم احساس خوشبختی می نمودند، و بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم همسران آن حضرت، صبر و قناعت را پیشه نموده و به زندگی خود ادامه دادند.

طرح جبهه صلح و سازندگی ...

زنان و غیره نهاد های جامعه مدنی)

هـ: نمایندگان مهاجرین افغانستان از سراسر جهان.

آجندای مذاکره:

۱- توافق دسته جمعی بر سر آتش بس فوری و سراسری و انصراف از براندزی دولت و تعهد به فعالیت سیاسی و مسالمت آمیز در رسیدن به اهداف مشروع سیاسی و اجتماعی به عنوان اصل اساسی و استراتیژیک.

۳- مذاکره بر سر مطالبات مختلف سیاسی و توافق به توحید دیدگاه های متفاوت در جهت ایجاد تعدیل و اصلاح نظام سیاسی.

۳- مذاکره و توافق بر سر انتخابات زود هنگام پارلمانی و سپس تشکیل لویه جرگه در جهت تعدیل و اصلاح قانون اساسی بمنظور تطبیق اصلاحات توافق شده در نظام سیاسی کشور .

٤- مذاکره و توافق بر سر تعریف و تشخیص منافع ملی و ارزش های تاریخی، استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و وحدت ملی.

٥- مذاکره و توافق بر سر استراتیژی مناسبات خارجی افغانستان با همسایگان، کشورهای منطقه و جامعه بین المللی و تشخیص منافع مشروع و متقابل .

٦- گفتگو و توافق بر سر چگونگی مناسبات با کشورهای پاکستان و ایران و حل تمام مسایل دوجانبه به عنوان دو کشور مهم و تأثیر گذار در صلح و ثبات افغانستان .

۷- گفتگو و توافق بر سر مناسبات نظامی و امنیتی افغانستان با کشورهای درگیر جنگ و چگونگی خروج نیروهای نظامی آنها.

۸- توافق بر سر تشکیل هیأت مشترک غرض شرکت در مرحله دوم کنفرانس صلح .

مرحله دوم :

۱- تدویر کنفرانس بین المللی صلح متشکل از همسایگان افغانستان، کشورهای منطقه(هند، چین، عربستان سعودی و روسیه)، سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی، ایالات متحده امریکا، بریتانیا، ناتو و اتحادیه اروپا.

۲- توافق دوجانبه و چند جانبه میان نمایندگان افغانستان و نمایندگان کشورهای مذکور بر سر منافع مشترک و تثبیت میکانیزم تطبیق توافقات انجام شده.

۳- کسب تعهد و تضمین از تمام کشورهای خارجی در همکاری با افغانستان جهت تقویت روند صلح، تحکیم ثبات، عدم دخالت و گسترش توسعه متوازن اقتصادی و اجتماعی.

۴- توافق بر سر ایجاد گروه ناظر بین المللی و تدوین میکانیزم کاری این گروه بمنظور نظارت بر تطبیق توافقات دو جانبه و چند جانبه میان نمایندگان افغانستان و نمایندگان کشورهای همسایه، منطقه و جهان.

۵- تصویب تمام توافقات انجام شده میان نمایندگان افغانستان و نمایندگان کشورهای خارجی توسط پارلمان افغانستان.

و من الله التوفیق

دارالانشای مرکزی جبههٔ صلح و سازندگی

نوت: لطفاً نظریات اصلاحی، انتقادی و پیشنهادات خود را در مورد این طرح به آدرس ایمیل زیر بفرستید:

hemati@hotmail.de

خانهٔ اسامه در ایبت آباد پاکستان تخریب شد



در تعمیر سه طبقه، واقع ایبت آباد شهرک نظامی نشین پاکستان که اسامه بن لادن رهبر گروه القاعده بدور از دید نیروهای ناتو و مبارزه بر ضد تروریزم در آنجا زندگی می کرد، این منزل از سوی نیروهای پاکستان تخریب گردید. گفته می شود کار تخریب این تعمیر شام روز شنبهٔ هفتهٔ گذشته در تاریکی آغاز شد تا مردم شاهد عینی آن نبوده و عکس برداری نیز از آن نشود. کار تخریب این تعمیر روز دو شنبه (در مدت سه روز) تکمیل شد.

گرچه آشکارا نشده است که اسامه بن لادن سرکرده ای گروه القاعده، چند سال را در آن خانه سپری کرده است و آیا این خانه توسط خود او که یک انجنیر ساختمانی بود، اعمار گردیده و یا در اختیارش گذاشته شده بود.

اسامه بن لادن در ماه ثور سال روان هجری شمسی در این خانه، در ایبت آباد پاکستان در یک عملیات شبانهٔ کوماندو های خاص امریکایی، بدون در جریان قرار گرفتن پاکستان، کشته شد که باراک اوباما و اعضای بلندپایهٔ حکومتش در کاخ سفید، مستقیماً از طریق ویدیو نظاره گر این عملیات بودند.

تا حال معلوم نشده است، مقامات پاکستانی چرا تصمیم تخریب خانهٔ اسامه بن لادن را گرفتند. آگاهان امور بدین باور اند، همانطوری که امریکا جسد اسامه را به عمق بحر فگند تا زیارتگاهی برای هواخواهانش نشود، به پاکستان نیز دستور داده است تا این تعمیر را تخریب نماید، نشود که در آینده، و یا در تحولاتی که در پاکستان پیش آید، این خانه به حیث یادگاری از اسامه و مرکز فرماندهی او بر علیه امریکا و متحدینش باقی بماند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و هفتم ۱۳حوت ۱۳۹۰ ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۳۳ – 3 March 2012

رفیق بحر

د ولسي جرگې لخوا د وزیرانو استیضاح د اصولو مطابق وه او که نه؟

دوه اونۍ مخکې د هیواد ولسي جرگې د خپل دوهم پارلماني کال په آغاز کې د کورنیو چارو وزیر بسم الله محمدي او د مالي وزیر حضرت عمر زاخیلوال ولسي جرگې ته د استیضاح لپاره بللي وو؛ چې د یوې اونۍ تیارۍ او کمپاین وروسته دواړو وزیرانو د ولس د استازو په وړاندې خپل ځانونه وړاندې کړل او په نتیجه کې دواړه وزیران د باور د رایې لاسته راوړلو له پړاوو څخه (چې د استیضاح پر مهال یې د رامینځته کیدو امکان اوسي) بچ پاتې شول او له هغه دام څخه روغ رمټ ووتل.

دلته پدې نه غږیږو چې د ولسي جرگې لخوا دواړو استیضاح ته بلل شوو وزیرانو سره ولسي جرگې ښه وکړل که بد؟ خو پدې خبره خامخا مکث کول پکار دي چې کومه کړنلاره غوره کړای شوې وه، آیا دا د اصولو مطابق وه او که نه؟ او همدارنگه پدې هکله غواړو وغږیږو چې ولې دغه دواړو وزیران په یوه وخت کې استیضاح ته یللی شوي وو؟ د وروستۍ پوښتني ځواب خو دادی چې په اصل کې د مالي وزیر استیضاح ته لومړی غوښتلی شوی وو خو چې کله د نوموړي ځوابونه ولسي جرگې ته قناعت ورکوونکي واقع نه شو نو یو شمیر استازو ورسره د کورنیو چارو د وزیر استیضاح هم را اوچته کړه، چې دا په خپل ځای کې د کاسې لاندې نیم کاسه په گوته کوي. خو د یوې اونۍ وخت استیضاح ته د بلل شوو وزیرانو او د استیضاح د مهندسینو وکیلانو (دواړو) په گټه تمام شو؛ ځکه د دواړو لوریو ترمینځه کافي وخت پیدا شو او هغو وکیلانو چې نوموړي وزیران یې په میاشت کې هم لیدلی نشو خپل ځانونه یې پر دغو وزیرانو ډیر درانه کړل او یو شمیر وکیلان خو ددغو وزیرانو کورونو ته په قطارونو کې ودریدل او د ځینو نورو د خوښۍ لاسته راوړلو لپاره بیا دغو وزیرانو د هغوی د کورونو دروازې ودبولې او د نه باور له رایې څخه د ځان ژغورلو لپاره یې ورځخه تینگې وعدې ترلاسه کړې!

مگر هغه څه چې دلته پرې لیکل پکار دي، د نړۍ په هیڅ ریاستي نظام کې (چیرې چې صدر اعظم نه اوسي او وزیران هر یو په ځانگړي توگه د نه باور رایې سره مخ کیږي) دا ډول کړنلاره نشته چې د دوه وو کسانو په هکله په یو ځل له غړو څخه د نظر غوښتنه وشي ځکه یو کیدای شي چې د یو وکیل په وړاندې د باور مستحق اوسي او بل د نه باور وړ اوسي، نو پدې صورت کې به دغه وکیل شین کارت (چې د باور مظهر دي) پورته کوي؟ او که سور کارت؟ (چې د نه باور ښکارندوی دی).

آیا چیرې داسې شویدي چې د دوه وو غیر متجانسو شیانو جمعي ته حاصل بیان شوي وي، د ولسي جرگې وروستۍ استیضاح د نا متجانسو شیانو د جمع کولو په معنا وه. که چیرې دا ډول تلل ترسره هم شي نو بیا پکار وي چې حاصل یې په دواړو وویشل شي چې پدې صورت کې هم دغه کړنلاره د سوال لاندې راځي؛ ځکه د هر یو په هکله د وکیلانو نظرونه مختلف اوسي.

له دې استیضاح وروسته د استیضاح په نور پړاوو کې چې کله د عدلیې، ترانسپورت، حج او ارشاد او د مهاجرینو چارو وزیران ... استیضاح ته وبللی شو نو دغو وزیرانو هم د نه باور رایې څخه د تیښتې لپاره خپل د انکشافي بودیجو لگښتونه هر یو ځلوینښتو ته رسیدلي او ځینو تر پنځوسو اوښتی وښودل، پداسې حال کې چې د مالیې وزارت د نماینده د څرگندونو له مخې له دوی څخه غټهٔ لگیدلي بودیجه د عدلیې وزارت ۳۸ سلنه وه او له ټولو ښکته د حج او ارشاد وزارت ۳۲ سلنه وه، چې له مخې هر یو باید له خپلې دندې گوښه کړای شي.

طرح جبهه صلح و سازندگی افغانستان در مورد حل بحران افغانستان

طرحی که می خوانید، به آدرس مجاهد جهت نشر فرستاده شده است، مجاهد با استقبال از هر طرح و تلاشی که در آوردن صلح و ثبات در کشورما کمک کند، به دیدهٔ قدر نگریسته و به نشر می سپارد.

«اداره»

جبههٔ صلح و سازندگی افغانستان به عنوان یک جنبش سیاسی- اجتماعی اصلاح طلب، خواستار صلح پایدار و باورمند به حل بحران کشور از راه مذاکره است.

جبهه صلح و سازندگی در حالی که صلح و ثبات را کلید پیشرفت و استقلال افغانستان در عرصه های مختلف حیات تلقی میکند،کثرت گرایی، عدالت اجتماعی و حضور دولت قانونمدار و برخاسته از اراده و آرای مردم را مستلزم و متضمن این ارزشها میداند.

جبههٔ صلح و سازندگی دستیابی به صلح، شکل گیری دولت مشروع و متعهد به امنیت، ثبات، عدالت و پیشرفت را از راه جنگ و خشونت در تضاد با ارزش های اسلامی و متناقض با منافع و مصالح علیای افغانستان و مردمش ارزیابی میکند.

بنا بر این جبهه صلح و سازندگی افغانستان اصلاح طلبی را بجای ساختار شکنی و براندازی نظام و دولت، اساس راهبرد و استراتیژی مساعی و برنامه های خود قرار میدهد و تمام طرف های مخالف، معترض، درگیر و ذیدخل را به گفتگو فرا میخواند.

جبهه صلح وسازندگی با توجه به اصول و اهداف استراتیژیک خویش طرح آتی را در دو مرحله برای حل بحران افغانستان ارائه میکند:

مرحله نخست:

تشکیل کنفرانس صلح متشکل از پنج بخش طرف های داخلی در بحران افغانستان:

الف: دولت (ارکان سه گانه دولت)

ب: مخالفان نظامی و در حال جنگ (طالبان، حزب اسلامی برهبری حکمتیار، گروه حقانی و سایر گروه های مخالف مسلح)

ج: مخالفان سیاسی دولت(ائتلاف ملی، جبهه ملی و سایر اپوزیسیون سیاسی)

د: جامعه مدنی (احزاب سیاسی، سازمانهای اجتماعی، انجمن های دفاع از حقوق ص۷

اندیشه

سرمای شدید در زمستان امسال جان صد ها کودک را در سراسر کشور گرفت



در تازه ترین گزارش، هفت کودک در ولسوالی های مختلف بدخشان جان باختند. به گفتهٔ شاهدان عینی، از اثر سردی هوا طی هفتهٔ گذشته، به شمول هفت کودک صدها رأس مواشی نیز از بین رفته است. در همین حال از ولایت همجوار تخار گزارش شده است که، چندین کودک نیز در نتیجهٔ سرمای هوا جان باخته اند. رضا شاه ولسوال کلفگان به رسانه ها گفته است، کودکان تلف شده کمتر از ۱۲ سال سن داشتند. وی افزود، ۲۰۰ رأس مواشی نیز تلف شده اند.

از ولایت بامیان نیز خبرها حاکی از مرگ و میر اطفال داشت. به گفتهٔ مسوولان محلی به تعداد ۱۲ کودک در سراسر این ولایت طی روزهای اخیر جان باختند.

در همین حال برخی از خبرگزاری های خارجی گزارش داده اند که، طی چند هفتهٔ گذشته ۲۲ کودک افغانستانی بر اثر سرمای شدید در اردوگاه های آوارگان در شهر کابل پایتخت کشور جان خود را از دست دادند. گفتنی است مهاجرین این اردوگاه ها را مردمانی تشکیل می دهند که از مناطق جنگ زده به کابل پناه آورده اند.

آمارها نشان می دهد که در زمستان امسال بیش از ۷۸ کودک در سراسر کشور در اثر سرمای شدید هوا، جان باختند.

افغانستان کشوریست که زندگی اطفال در آن در بدترین حالت قرار دارد. جنگ های تحمیلی، فقر و بیچارگی، کارهای شاقه و سرمای شدید از جمله آفت های اند که دامنگیر کودکان معصوم در کشور شده است.

در عین حال گزارشی که در این اواخر از سوی صندوق وجهی سازمان ملل متحد برای اطفال (یونسف) نشر شد وضعیت زندگی اطفال را در شهر ها به بررسی گرفته و ابراز نگرانی کرده است. این گزارش به روز سه شنبه زیر نام زندگی شهری و اثرات آن منتشر شده و در آن وضعیت اطفال افغان که از مناطق مختلف و کشورهای همسایه به شهرها برگشته اند، به بررسی گرفته شده است.

این گزارش تنها به زندگی اطفال شهری پرداخته است. این در حالیست که زندگی اطفال دهاتی به مراتب رقتبارتر از اطفال شهری می باشد . در این گزارش یونسف از حکومت افغانستان تقاضا نموده است تا در بخش حفاظت از اطفالی که درشهر ها زندگی می کنند، توجه جدی نماید.

در این گزارش تصریح شد ه است که، نبود یک برنامهٔ مشخص از سوی دولت، کودکان افغانستان را با مشکلات جدی روبرو نموده است.